

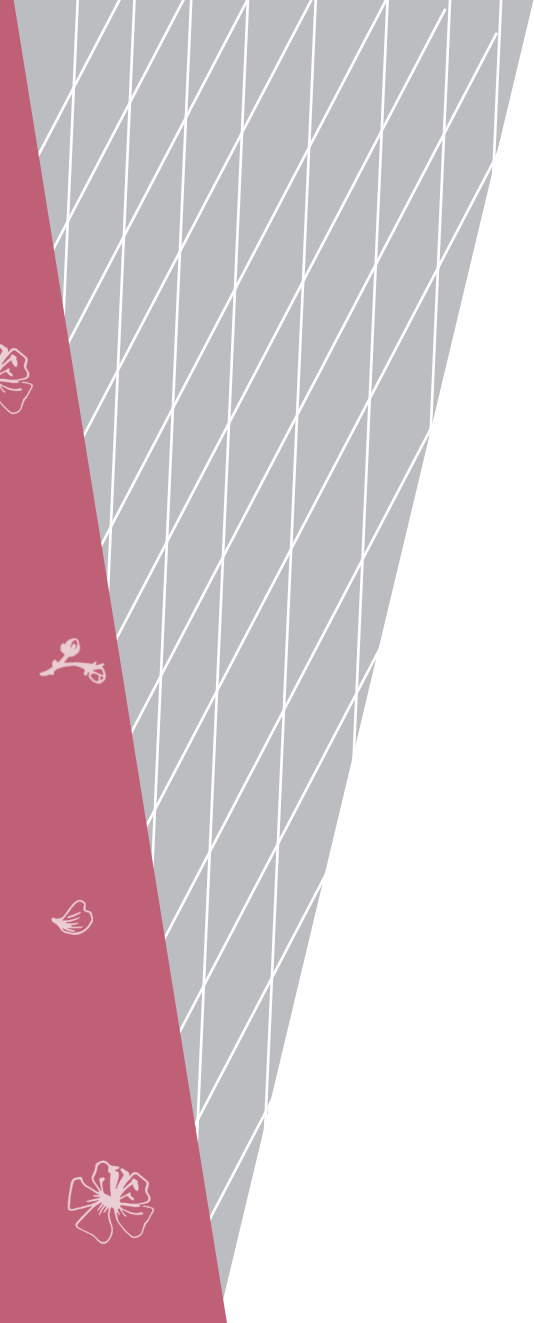



پرسش‌های دختر پاسخ‌های پدر

پاسخ به شبهات دینی در روزگار کرونا









پرسش‌های دختر
پاسخ‌های پسر

پاسخ به شبهات دینی در روزگار کرونا

پاسخ به شبهات دینی در روزگار کرونا

پرسش‌های دختر، پاسخ‌های پدر

طراح گرافیک | زهرا مؤذنی

نوبت و سال چاپ | اول ۱۳۹۹

قطع | جیبی

شمارگان | ۵۰۰ نسخه

چاپ | مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

حق چاپ محفوظ است.
به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)

دفتر مرکزی | مشهد، بلوار سجاد، خیابان میلاد ص.پ. | ۹۱۳۷۵/۴۹۶۹

تلفن و دورنگار | ۳۷۶۵۲۰۰۸

دفتر تهران | تلفن و دورنگار | ۸۸۹۶۰۴۶۶

نشانی اینترنتی | www.behnashr.com | پست الکترونیکی | publishing@behnashr.com

پرسش‌های دختر، پاسخ‌های پدر

وقتی زمستان، چادر سرد و سفید خود را می‌پوشید و آهنگ رفتن می‌کرد، صدای پای بهار از لابلای سنگ‌فرش‌های شهر به گوش می‌رسید؛ من لحظه شماری می‌کردم تا سال نو از راه برسد و ساعت تحویل سال را با خانواده در حرم امام هشتم علیه‌السلام جشن بگیریم. امسال نیز مانند سال‌های گذشته، صدای پای بهار را که شنیدم، خودم را آماده استقبال از بهار کردم. برای من، بهار همیشه از حرم امام رضا علیه‌السلام شروع می‌شد. با برادرم از بهار و ساعت تحویل سال و خاطرات سال‌های گذشته و صدای خاطره‌انگیز نقاره‌ی حرم می‌گفتم که برادرم گفت:

- امسال، ساعت تحویل سال، خانه‌ی خودمان
می‌مانیم!

- گفتیم: چرا؟

- گفت: چون حرم امام هشتم علیه‌السلام به خاطر جلوگیری
از شیوع ویروس کرونا تعطیل است! حتی نماز جمعه را
هم تعطیل کرده‌اند و حتی داخل حرم هیچ مُهر و فرش
نیست که نماز بخوانیم؛ همه را جمع کرده‌اند.

خیلی ناراحت شدم و با خودم فکر می‌کردم که مگر
امام رضا علیه‌السلام نمی‌تواند این ویروس را از بین ببرد؟!
مگر ما برای شفای بیمارانمان به حرم نمی‌رویم؟! مگر
حرم امام علیه‌السلام شفاخانه نیست؟! و ...

رفتم و گوشه‌ای از اتاقم نشستم و کتابم را باز کردم و
به صفحات آن خیره شدم. کلمات کتاب، جلوی چشم
رژه می‌رفتند و من به چیز دیگری فکر می‌کردم!

پدرم که آمد، مستقیم رفتم سر اصل مطلب و تمام
سؤالاتی که برایم پیش آمده بود تند تند گفتم!

پدرم گفت: عجله نکن دخترم! الان می‌آیم و جواب
سؤالاتت را می‌دهم.

پدرم اهل مطالعه بود و همیشه سؤالاتم را با حوصله

و عالمانه جواب می‌داد. دلم به خاطر سؤالاتی که در ذهنم ایجاد شده بود، شور می‌زد. تا امروز نشنیده بودم که حرم امام هشتم علیه السلام تعطیل شده باشد!

پدرم نشست و خیلی آرام گفت: دخترم! دنیا، دنیای اسباب و مُسببات است؛ خداوند در این دنیا، کارهایش را با اسباب انجام می‌دهد. خداوند متعال از این‌که امور، بدون اسبابش جریان پیدا کند، امتناع دارد. خداوند برای هر چیزی، اسباب قرار داده است. به زمین نیروی جاذبه داده، به آب خاصیت رفع تشنگی بخشیده و به آتش خاصیت سوزاندن داده. مُسبب‌الاسباب خداست و اوست که این سبب‌ها را می‌دهد و هر موقع اراده کند، می‌تواند این خاصیت را بگیرد. دست‌های خدا بسته نیست. یهودیان می‌گویند که دست خدا بسته است؛ اما دست‌های خودشان بسته است. خدای متعال، آتش را بر ابراهیم علیه السلام سرد می‌کند و آب که سیال است و باید فرو بریزد را برای حضرت موسی علیه السلام مانند کوه بر روی هم قرار می‌دهد. خداوند خاصیت آب را از آب می‌گیرد و آب حالت سیالیتش را از دست می‌دهد. این اسباب، مؤمن و کافر هم ندارد؛ شمشیر بر ابی‌عبدالله علیه السلام

اثر می‌گذارد، سَم بر امام حسن مجتبیٰ علیه السلام، بر امام رضا علیه السلام و بر امام حسن عسکری علیه السلام اثر می‌گذارد. امامان معصوم علیهم السلام اگر بخواهند می‌توانند جلوی اثر آن را بگیرند، اما نمی‌خواهند. خدای متعال اصرار دارد که مردم به اسباب توجه کنند و متوجه باشند که این اسباب در دست قدرت خداوند است؛ یعنی در اسباب نمانند و پشت پرده‌ی اسباب یعنی ملکوت اسباب را ببینند، ملکوت اسباب، خدای متعال است.

- با ناراحتی گفتم: حرم را چرا تعطیل کرده‌اند بابا؟ خیلی از مردم برای این که حاجت بگیرند به حرم می‌روند؟! چرا چنین اهانتی کرده‌اند؟

- گفت: این که حرم بسته شده، توهین به آن حضرت نیست، این قواعد عالم است. امام رضا علیه السلام دوست ندارد که فکر تو به سمت اشتباهی برود و فکر کنی قرار است قواعد عالم به هم بخورد؛ اگر قرار بود قواعد عالم به هم بخورد، امام رضا علیه السلام با سَم شهید نمی‌شدند. پس وقتی سَم روی بدن مبارک امام علیه السلام اثر می‌گذارد، ویروس هم می‌تواند روی در حرم آن حضرت اثر بگذارد و زائر را گرفتار کند؛ همان‌طور که هنگام رسیدن ناپاکی به حرم،

باید محل را آب کشید و شست، در مقابل این ویروس هم، باید چنین رفتاری کرد. اسلام دین عقلانیت است. منتها اسلام می‌گوید نگاه مادی صرف نداشته باش، بهداشت را رعایت کن و بسم الله بگو؛ بگو خدایا! بلا را دفع کن؛ اگر تمام ماسک‌ها را داشته باشی و تمام مواد شوینده را نیز مصرف کنی، باز هم نباید خود را مصون بدانی؛ ما از بلا ایمن نیستیم. به همین دلیل، ما از تولیت آستان قدس رضوی که به فکر آلوده نشدن حرم مطهر به ویروس خطرناک هستیم، تشکر می‌کنیم.

- دلم آرام شد و گفتم چه خوب که این کار را کرده‌اند و گرنه خیلی از زائران، مبتلا به ویروس کرونا می‌شدند و با خاطره‌ی تلخی از مشهد می‌رفتند.

ساعت ۱۴ بود و پدرم داشت اخبار نیمروزی را نگاه می‌کرد و گزارشگر از وضعیت پاساژها و مجتمع‌های تجاری شهر شکایت می‌کرد و از مردم خواهش می‌کرد که در خانه‌هایشان بمانند!

- گفتم: بابا! چرا مثل حرم، مجتمع‌های تجاری و پاساژها را نمی‌بندند؟ مگر پاساژها آلوده نمی‌شود؟ مگر فقط مکان‌های مذهبی آلوده به ویروس می‌شود؟

- برادرم گفت: چقدر سؤال می‌کنی؟! بگذار ببینیم در کشور چند نفر مبتلا به کرونا شده‌اند! بعد از اخبار هر سؤالی داری پرس!

اخبار داشت آمار مبتلایان به کرونا را اعلام می‌کرد که از دیروز تعداد ۷۰۰ نفر دیگر به ویروس کوئید ۱۹ (کرونا) مبتلا شده‌اند و از مردم خواهش می‌کرد که برای مهار کرونا، در خانه‌هایشان بمانند. هنوز سؤال تعطیلی مراکز تجاری در ذهنم بود که پدرم گفت: چند تا نکته را به خاطر بسپار دخترم:

اول این‌که: بسیاری از این رفت و آمدها غیر ضروری است و اینها نیز باید در شرایط فعلی کنسل شود؛ دوم: باید میان رفت و آمد ضروری و برنامه‌های غیر ضروری تفاوت گذاشت. بسیاری از مردم به خاطر شغلشان یا کار آن روزشان ناچارند از خانه بیرون بیایند؛ سوم: توصیه به خودداری از تشکیل اجتماعات و برپایی مجالس، با هدف محدود کردن چرخه‌ی انتقال ویروس در جامعه انجام می‌شود همچنان که مدارس و دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه با همین هدف تعطیل شده است؛ و امکان خانه‌نشین کردن همه مردم، عملاً وجود ندارد.

به همین دلایل، توصیه صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران مقابله با کرونا، خودداری از برپایی هرگونه اجتماع غیر ضروری است؛ چهارم این‌که: ما دغدغهی تکلیف شرعی و اخلاقی‌مان را داریم، به ویژه وقتی پای جان انسان‌ها در میان باشد و بسیاری از افراد چنین دغدغهای ندارند؛ پنجم: ما متدینین باید الگوی دیگران باشیم نه این‌که با کار غلط آنان، همراهی کنیم؛ ششم این‌که: رفتارهای ما به پای دین و دینداران و مسجدها و هیئتی‌ها نوشته می‌شود و وسیله‌ای برای هجمه به مقدسات و شعائر دینی می‌شود؛ در حالی که کار دیگران به پای خودشان نوشته می‌شود. به همین دلایل، اگر اجتماعات مذهبی توسط خود متدینین در شرایط فعلی لغو شود و شعائر مذهبی به محیط خانه و خانواده منتقل شود، هم به سلامت جسمی جامعه کمک می‌شود و هم به باورهای دینی جامعه!

- کمی به پدرم حق دادم و صحبت‌هایش را پذیرفتم و تا حدودی قانع شدم! ولی با خودم فکر کردم اگر تمام نکات بهداشتی در مکان‌های مذهبی رعایت شود و مردم با فاصله از هم به زیارت بروند و به هم دست

ندهند چه مشکلی دارد که مکان‌های مذهبی باز باشد و مجالس مذهبی برگزار شود؟!

- خواستم بیرسم، احساس کردم پدرم ذهنش درگیر اخبار است و شاید دوست نداشته باشد بیشتر سؤال کنم. مادرم ناهار را کشیده بود و منتظر ما بود. ترسیدم که سؤالم را بعداً فراموش کنم، از فرصت استفاده کردم و پرسیدم.

پدرم که هنوز مشغول غذا خوردن نشده بود گفت: اول از همه این‌که؛ با توجه به محدودیت امکاناتی از قبیل تب سنج یا ژل ضد عفونی کننده دست برای همه‌ی جلسات، هیچ تضمینی برای رعایت همه‌ی جوانب بهداشتی توسط برگزارکنندگان وجود ندارد. دوم؛ حتی با وجود پیش‌بینی‌های لازم از جهت بهداشتی، هیچ تضمینی برای شناسایی همه‌ی افراد بیمار حاضر در مجلس با توجه به پنهان بودن علائم تا دو هفته وجود ندارد. سوم؛ بر فرض تشخیص افراد مشکوک و امکان جلوگیری از حضور آن‌ها، هیچ تضمینی برای جلوگیری از ترشحات دهانی افرادی که بیمار نیستند ولی ناقل هستند وجود ندارد. به همین دلایل، متخصصان،

می‌گویند که تشکیل اجتماعات، احتمال سرایت کرونا را که قدرت سرایت بسیار بالاتری نسبت به بیماری‌های مشابه دارد، به شدت افزایش می‌دهد. پس انسان نباید کاری انجام دهد که به خودش آسیب بزند و در دین ما برای کسی که بیمار است، روزه‌ی واجب هم حرام می‌شود چه رسد به کار مستحب!!

پاسخ‌های پدرم خیلی منطقی و دقیق بود. نمی‌توانستم ایراد منطقی بگیرم؛ ولی نمی‌دانم چرا دلم دنبال بهانه بود و دوست داشت هر جور هست مکان‌های زیارتی باز باشد. و گفتم: مگر مجلس اهل بیت علیهم‌السلام با جاهای دیگر قابل مقایسه است؟ آیا این گونه مجالس خودش شفاخانه نیست؟

پدرم گفت: دخترم! اول این‌که؛ روشن است که مجالس شادی و عزای اهل بیت علیهم‌السلام، دارای فضائل و برکاتی است که قابل انکار نیست و به همین خاطر توصیه می‌شود در شرایط فعلی، این مجالس را در محیط خانه و خانواده برپا کنیم تا از فضائل و برکات آن محروم نشویم. دوم این‌که؛ در آیات و روایات تاکید شده است که نظام آفرینش بر مدار اسباب و مسببات است و اراده‌ی

خدا نیز از مجرای همین نظام آفرینش محقق می‌شود. گفتم: پس دلیل این همه معجزات که خلاف رویه‌ی طبیعی هست، چه بوده؟

گفت: طبعاً معجزات، استثناست و جز در مواردی که حکمت الهی اقتضا کند، صورت نمی‌گیرد و گرنه خانه کعبه توسط سپاه یزید ویران نمی‌شد و ائمه علیهم‌السلام با زهر مسموم نمی‌شدند و زائران حرم امام هشتم علیه‌السلام در انفجار حرم، تکه تکه نمی‌شدند و قرار نیست دعا و توسل، جای دارو و درمان را بگیرد. همچنان که اهل بیت علیهم‌السلام در عین سفارش به ذکر و دعا، بر مراقبت از سلامت بدن و مراجعه به طبیبان هنگام بیماری را تاکید کرده‌اند. در روایت است اگر کسی بیماری خود را از طبیبان پنهان کرد، به بدن خویش خیانت کرده است. به همین دلایل، نمی‌توانیم به بهانه‌ی توسل به اهل بیت علیهم‌السلام و با استناد به معجزات مجالس اهل بیت علیهم‌السلام، نسبت به سلامت خود و سایر دوستان اهل بیت علیهم‌السلام، سهل‌انگاری کنیم.

پدر مشغول خوردن ناهار شد و من هم در جستجوی پاسخ سؤالاتم و رفع هرگونه شبهه‌ای در ذهنم؛ دوباره به گذشته رفتم. نفس بهار، ریه‌هایم را پر کرده بود و

پنجره‌ی نیمه باز اتاق، سلام فروردین را برایم می‌آورد. و پرستوی ذهنم، در آسمان خاطراتم پرواز می‌کرد و بر شاخه‌های شکوفه دار بهار، لانه می‌ساخت و دور از هر دغدغه‌ای، پرده‌ی زمان را می‌درید و به دوردست‌ها می‌رفت و باز می‌گشت و برایم خاطرات کهنه را تازه می‌کرد. دنبال فرصت بودم تا از پدرم سؤال دیگری بپرسم. در روایتی خوانده بودم که هرگاه بیمار شدید، به قم مراجعه کنید؛ و الان «قم» مرکز بیماری شده است! و این تناقض ذهنم را درگیر کرده بود. موضوع را با پدرم در میان گذاشتم.

پدرم گفت: بله؛ امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: **إِذَا عَمَّتِ الْبُلْدَانَ الْفِتْنُ فَعَلَيْكُمْ بِقُمَّ وَ حَوَالِيهَا وَ نَوَاحِيهَا فَإِنَّ الْبَلَاءَ مَدْفُوعٌ عَنْهَا** ﴿﴾ (هنگامی که فتنه‌ها همه‌ی شهرها را فرا گرفت، به شهر قم و اطراف آن رو آورید، زیرا گرفتاری از قم دفع شده است.) باید بدانی که منظور از کلمه‌ی «فتنه و بلا» که در این قبیل روایات به کار برده شده است؛ فتنه‌های اعتقادی و بلاهای دینی است و این معنا برای فتنه و بلا در قرآن و روایات آمده است و در قرآن مجید خداوند از اموال و فرزندان به «فتنه» تعبیر

کرده است: ﴿إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ (همانا منحصرأموال و فرزندانان وسیله‌ی آزمایش شما هستند و اجر عظیم فقط در نزد خداست) و «فتنه» به گرفتاری‌هایی که جنبه‌ی آزمایش دارد، اطلاق شده است. در مورد «بلا» هم معنی به کار برده شده در فرهنگ لغت و قرآن این است: «بلا الرجل» یعنی «آن مرد را آزمایش و امتحان کرد» و در قرآن در مورد حضرت ابراهیم علیه السلام آمده که: ﴿إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ﴾ (به درستی که این امتحان بزرگی است). یا آمده: ﴿وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا﴾ (و برای این که مؤمنین را به آزمایش نیکویی امتحان نماید).

در ثانی در برخی روایات، مردم قم را دارای مشکلات و تنگناهای دنیوی معرفی می‌کند. مثلاً در روایتی امام هادی علیه السلام درباره مردم قم می‌فرماید: ﴿يَجْرِي عَلَيْهِمُ الْغَمُّ وَالْهَمُّ وَالْأَحْزَانُ وَالْمَكَارَهُ﴾ (غم و گرفتاری و ناراحتی و ناخوشی بر آنها جاری می‌شود).

دخترم توجه کن که حضرت معصومه علیها السلام مدت اقامتشان در قم مریض بودند و با همان مریضی از دنیا رفتند.

پدرم خیلی مستند جواب می‌داد و من نمی‌توانستم پاسخی بر رد اینها داشته باشم و طبیعتاً باید می‌پذیرفتم. گاهی از بعضی‌ها می‌شنیدم که بی‌توجه به مسائل بهداشتی می‌گویند: «مرگ دست خداست و ما چه بهداشت را رعایت کنیم چه نکنیم اگر قرار باشد بمیریم می‌میریم و گرنه نمی‌میریم.» این سؤال را که از پدرم پرسیدم؛ برادرم که قدری گفتگوی ما برایش جالب شده بود آمد جلوتر تا او هم در این گفتگو شریک شود.

پدرم گفت: در حدیث معروفی از امیرمؤمنان علیه السلام می‌خوانیم که: امام علی علیه السلام در زیر دیوار کجی نشسته بود. هنگامی که چشمش به وضع دیوار افتاد از زیر آن دیوار بلند شد و در جای امنی نشست. کسی عرض کرد: «آیا از قضای الهی فرار می‌کنی؟» (یعنی اگر بنا باشد که صدمه‌ای به تو برسد، می‌رسد.) امام علیه السلام فرمود: «من از قضای الهی به قدر الهی فرار می‌کنم.» اشاره به این دارد که قضای الهی در اینجا مشروط به این است که من در زیر این دیوار بمانم ولی قدر و اندازه‌گیری‌ها به من می‌گویند: نمان! در واقع این یک

قضای مشروط بود که امام علیه السلام با تغییر شرایط و اقدام به موقع، آن قضا را منتفی کرد. و همچنین طبق آیه ۱۱ رعد: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ تغییر سرنوشت به دست خود ماست؛ یعنی یک فرد مؤمن، باید اینگونه باشد. به حکم عقل، از خود مراقبت می‌کند و در زندگی، امور خود را با تدبیر پیش می‌برد و در عین حال، تدبیرش را به تقدیر الهی گره می‌زند و در هر حال به خدای متعال تکیه و توکل می‌کند.

گفتم: پدر! آیا در تقابل دین و علم، دین شکست می‌خورد یا علم؟ و اگر علم شکست می‌خورد و دین پیروز می‌شود؛ چرا الان - به خاطر این بیماری و اگیردار - دین در برابر علم شکست خورده و تمام مراکز دینی تعطیل شده؟

پدر خیلی جدی و محکم گفت: در اسلام، به قدری علم ارزش دارد که هزاران رکعت نماز عابد، برابر یک رکعت نماز عالم است و در قرآن سوره‌ای به نام «قلم» داریم و کتاب مقدس مسلمانان از نوع خواندنی (قرآن) است و اولین باب کتب حدیثی کتاب «العقل» است و پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: علم را حتی

از چین (دورترین نقطه و منطقه‌ی کفار) یاد بگیرید و فرمودند: ﴿أُطَلِّبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ﴾ و ﴿طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ﴾ خود دین، در خصوص رعایت نکات بهداشتی، بیشترین دستورات را دارد مثل: شستن دست، وضو، غسل، طهارت و... و در سیره‌ی اهل بیت علیهم‌السلام رعایت می‌شده است و از مهمترین دستورات دینی، دفع ضرر جسمانی است و حفظ سلامتی است؛ لذا خود قرآن روزه را وقتی ضرر دارد حرام می‌کند. پس بین تعطیلی مراکز دینی برای حفظ سلامتی و دین، تعارضی نیست! چون این تعطیل کردن، خودش یک دستور دینی است.

وقتی پدرم صحبت می‌کرد من و همچنین برادرم، به صحبت‌های پدر دقیق می‌شدیم و اگر در خلال صحبت‌ها، پرسش دیگری به ذهنمان می‌رسید، بعد از صحبت‌های پدر مطرح می‌کردیم و معمولاً من سؤال می‌کردم و برادرم فقط گفتگوی ما را تماشا می‌کرد و گوش می‌داد!

بعد از صحبت‌ها و گفت و شنودهای طولانی، به خاطر این‌که ببینم حرف دل پدرم درباره‌ی وضعیت

بیش آمده و ویروس کرونا چیست و وضعیت ساعت تحویل امسالمان چگونه می‌شود پرسیدم: بالاخره ما در قبال این ویروس باید چکار کنیم؟

گفت: از سنت‌های الهی و واقعیت‌های این عالم، وجود فقر و غنا و سلامتی و مرض است؛ لذا در شرایط کنونی، برای رسیدن به آرامش، باید زندگی را استوار کنیم بر پایه‌ی توکل بر خدا، استغفار، دعا و نیز رعایت توصیه‌های دینی که مبتنی بر بهداشت فردی و عمومی است.

داشتم با خودم به خانه ماندن در بهار فکر می‌کردم و به این‌که چگونه این بهار را در چهار دیواری خانه سپری کنیم و از بوی دل‌انگیز این فصل بهره‌ای ببریم؟ و دلم برای آسمان تنگ شد! در همین احوال بودم که برادرم گفت: چرا خدا و امامان علیهم‌السلام ما را شفا نمی‌دهند؟ پدرم که بعد از کلی‌گفتگو انتظار چنین سؤالی را نداشت گفت: برای پاسخ به این سؤال باید چند نکته را بگویم:

یک: اصل، عدم شفای ظاهری است مگر دلیلی مثل هدایت خلق در مطلب نهفته باشد. مثلاً حضرت

عیسی علیه السلام در کل عمر شریف خود، طبق ادعای کتاب مقدس و روایات، دو نفر را شفا داده نه همه‌ی خلق را و اهل بیت علیهم السلام در معرض بیماری‌ها بودند و بیمار هم شدند و به بیماری هم از دنیا رفتند مثل اثر سمّ در آن‌ها. دو: کار اهل بیت علیهم السلام هدایت است نه از بین بردن قوانین عالم طبیعت که خداوند قرار داده و جزو سنت الهی است ﴿فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾ * وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا﴾ * و سنت خدا را هرگز مبدل نخواهی یافت و طریقه‌ی حق (و سنت الهی) را هرگز تغییر پذیر نخواهی یافت.

سه: رعایت اصول بهداشتی و بیماری و مرگ هم جزو گفتارها و تاکیدات قرآن و اهل بیت علیهم السلام است یعنی هم در مورد نظافت از آن‌ها مطلب داریم مثل: «نظافت از ایمان است» و هم در مورد اصل وجود مریضی در عالم مطلب داریم که قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾ * (و حتماً شما را به اندکی از ترس و گرسنگی و کاهش‌ی از مال‌ها و جان‌ها و محصولات (درختان یا ثمرات زندگی از زن و فرزند)

آزمایش خواهیم نمود و شکیبایان را مژده ده) و هم در مورد مرگ مطلب داریم: ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾ و همه‌ی اینها جزو مقدرات عالم طبیعت است و هیچ پیامبری و امامی برای از بین بردن قوانین عالم مبعوث نشده است؛ بلکه برای قسط آمده که همانا عدالت، قرار گرفتن هرچیزی است سر جای خودش.

چهار: تقدس مکان و زمان و فرد به ارتباط آن مکان و زمان و فرد به عالم ملکوت و منور بودن او به نور هدایت الهی و فیض روح القدس است گرچه هیچ مریضی را شفا ندهد و خودش مریض و فقیر و شکست خورده باشد مثل حضرت ایوب پیامبر عَلَيْهِ السَّلَام و ... (ظاهراً حضرت سجاده عَلَيْهِ السَّلَام در برخی از ایام).

پنج: ایجاد معجزه و کرامت، صرفاً برای هدایت خلق در اندک زمان‌ها و اندک مکان‌ها و اندک افراد الهی در طول زمان گزارش شده که دلیل بر ارتباط این افراد با عالمی و رای این عالم و قوانینی جدای این عالم دارد.

گفتگوی ما خیلی علمی شده بود و من خشنود از این همه پاسخی که دریافت کرده بودم و پدر، خشنود از این‌که توانسته بود رضایت ما را از این گفتگو جلب کند.

نَفَس بهار، درختان را به پای کوبی واداشته بود و
شاخه‌های درختان، مناجات بهاری را آغاز کرده بودند
و من مسیر اتاقم را گرفتم تا با حصار خویشتن، کرونا
را شکست دهیم!



